

برای کوهستانیان دور

عبدالله پشيو

آی کوهستانیان دور!
دیگر اکنون من
خطوط مرزی،
فاصله‌ی میان دو نقطه،
الفبای جغرافیا
و نقشه‌های زرد و سرخ را
باور ندارم.
شما،
– آنگونه که آتش در کسی –
مرا در خود گرفته‌اید.
هرچه شتابان تر میدوم،
هرچه دورتر می روم،
رساترید، عظیم ترید، نزدیکترید.

خانه‌ای نیست که هر بامداد
به آن سرزنم
گوشه‌ای نیست که شب هنگام
وعده‌گاهش نکنم
کودک گریانانرا،
من آرام می کنم
بیمار بدخوابتان را،
من دل می دهم
شما به عروسی می آغازید
چوپی را من می گردانم
شما به پرسه می نشینید
پیش از مرده‌تان، من می میرم،

آی کوهستانیان دور!
شما
– آنگونه که آتش در کسی –
مرا در خود گرفته‌اید
هرچه شتابان تر میدوم
هرچه دورتر می روم
رساترید، عظیم ترید، نزدیکترید.

برلین 1976

ترجمه‌ی انور سلطانی